

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۸، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۹۴

نگاهی به زندگی و آثار بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی
(علمی - پژوهشی)*

مریم ایرانمنش

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

دکتر اسحاق طغیانی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

دکتر محمود مدبری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

شناخت اندیشمندان و شاعران که سرمایه های فکری یک ملت اند، امری انکارناپذیر است. از جمله این شاعران بزرگ می توان به بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی شاعر توانا و مشهور پایان عهد تیموری اشاره کرد. هلالی یکی از بهترین غزلسرایان ایران و یکی از بزرگ ترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. سبک او عراقی دوره تیموری (عراقی - مکتب وقوع) است.

آثار هلالی عبارتند از ۱- دیوان اشعار که خود شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است. ۲- مثنوی شاه و درویش (شاه و گدا) ۳- مثنوی صفات العاشقین ۴- مثنوی لیلی و مجنون.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله : ۹۴/۶/۱۱

* تاریخ ارسال مقاله : ۹۴/۳/۳

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

jfluk@uk.ac.ir
toqhyani@ui.ac.ir
modaberi@uk.ac.ir

او در غزلیاتش از حافظ شیرازی و امیر خسرو دهلوی و سعدی تأثیر پذیرفته است. مثنوی شاه و درویش خود را به وزن هفت پیکر نظامی، صفات العاشقین را به وزن خسرو و شیرین و لیلی و مجنون خود را به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده است.

این مقاله، پژوهشی بنیادی است که به روش تحلیلی - توصیفی گردآوری شده است و بر آن است آثار هلالی، که جزو میراث برتر مکتوب ادب فارسی مربوط به اواخر دوره تیموری و اوایل عهد صفوی است و همچنین جایگاه ادبی این غزلسرای مشهور را به مخاطبان معرفی نماید.

هلالی شاعری شیعه، آزاداندیش و غیردرباری است که زبان شعری او مردمی است. او شاعری برون گراست و موضوع غزلیاتش عشق، فراق و هجران است و همواره به وصال امید دارد.

واژه های کلیدی: مکتب وقوع، سبک عراقی، غزلسرای، هلالی، آثار هلالی

۱- مقدمه

هلالی جغتایی استرآبادی از شاعران پایان عهد تیموری است و در تألیف آثار خود، بی تأثیر از اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی زمان خود نبوده است؛ پس بهتر است قبل از ورود به بحث اصلی مختصری این اوضاع را بیان کنیم.

الف - اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی

تمدن ایران در عهد تیموریان دنباله تمدن عهد خوارزمشاهیان و مغول بود که اساس آن همان تمدن سامانی و سلجوقی است. زبان دربار تیموریان زبان فارسی بود و بسیاری از سلاطین و شاهزادگان تیموری به زبان فارسی شعر می گفتند و خود تیمور هم با شعر و ادب فارسی بیگانه نبود. هرات، دربار شاهرخ، مرکز ادبی عصر بود. تیمور در سال ۸۰۷ درگذشت. پس از دوران حکومت سی ساله تیمور که با غارت و وحشت همراه بود. "شاهرخ در دوره پنجاه ساله خود که مردی عادل، دیندار، بخشنده، صلح جو و دوستدار علم و ادب و حامی ادیبان و عالمان بود، هرات را که مقر حکومتش بود، به صورت مرکزی فعال برای ادبیات و هنر درآورد و تألیف کتب را تشویق کرد و باعث رونق ادبیات و هنر در عهد تیموری شد." (صفا، ۱۳۸۳، ج ۴: ۷)

شاهرخ کوچکترین پسر تیمور که کفایت و تدبیر را با عدالت و صلح جویی جمع داشت پس از پدر، قریب نیم قرن در ایران فرمان راند و قلمرو حکومت خود را نسبتاً

آرامش و آسایشی بخشید. در زمان شاهرخ، دانش ادبی و هنری رونق یافت و با افول سلطنت شاهرخ این رونق از بین رفت تا در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا و وزارت امیر علیشیر نوایی کانون ادبی با شکوه دیگری در هرات پدیدار شد و حیات ادبی ایران رونقی تازه یافت.

"در دوران حکومت شاهرخ به واسطه استقرار مجدد امنیّت و تنظیم امور تجارت و داد و ستد، اوضاع اقتصادی نیز نسبت به دوره تیمور رونق یافت. در دوره شاهرخ هرات، سمرقند، تبریز و شیراز آباد شدند و خصوصاً در هرات و سمرقند ابنیه و قصور و باغها و مساجد و مدارس متعدد ایجاد شد.

در این عصر روح مذهبی بیش از پیش تقویت گردید. مطالعات و مباحثات دینی رواج بسیار یافت و عده کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد می شدند، فزونی گرفت. مساجد، خانقاهها، مکاتب و مدارس بسیار در اکناف کشور ساخته شد و مذهب بیش از پیش بر جنبه های مختلف زندگی اجتماعی تسلط یافت.

در این دوره شیعیان در پیروی از عقاید خود و اشاعه افکار خویش آزادی داشتند و در دوره بعد (نیمه دوم قرن نهم) از حمایت سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند و مدبّرش امیر علیشیر نوایی برخوردار شدند." (یارشاطر، ۱۳۳۴: ۱۹-۱۲)

"مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ (۷۲ سالگی) مبداء تجزیه کلی بازمانده ممالک تیموری گشت." (صفا، ۱۳۸۳، ج ۴: ۸)

ب- اوضاع ادبی

نخستین نکته ای که در شعر و شاعری این دوره در نظر می آید رواج و انتشار و عمومیت آن است. نه تنها عده شعرا بسیار بود، بلکه بحث شعر و گفت و شنود آن در میان عامه و دربار امرای زمان نیز رواج داشت.

"تحقیق در شعر این دوره به دلایل زیر دارای اهمیّت است: ۱- در شعر این دوره کیفیّات تازه ای پدید آمد که می توان آن را مقدمه ظهور سبک معروفی که به سبک صفوی یا هندی مشهور است، دانست. ۲- این دوره را آغاز انحطاط شعر فارسی شمرد. ۳- این دوره را می توان شروع رواج اشعار مذهبی شیعیان خواند." (یارشاطر، ۱۳۳۴، مقدمه: ۸-۱۰)

زبان شعری دوره تیموری نسبت به ایام گذشته هر چه بیشتر به زبان مردمی و محاوره‌ای نزدیک شد. زیرا شعر این دوره خاص دربار نبود و به درون مردم کوچه و بازار کشیده شده بود. شاعران معروف این عصر سادگی را ترجیح می‌دادند. عرفان هنوز موضوع محبوبی برای شعر بود. در میان قالبهای مختلف شعری دوره تیموری، غزل از توجه و عنایت خاصی برخوردار شد. افکار بکر و صناعت ادبی در اواخر دوره تیموری به طور روزافزونی وارد غزل گردید.

هلالی که از سرآمدان مکتب وقوع است، غزلهایش ساده، مستقیم و تک معنایی است و نزدیک ترین وزن‌ها به طبیعت کلام عادی و طبیعی است و به همین دلیل بسیاری از اشعار هلالی، در دل و زبان مردم همواره مذکور است مانند:

ای که می‌پرسی ز من کان ماه را منزل کجاست منزل او در دل است اما ندانم دل کجاست

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۲)

دوستان قیمت صحبت بشناسید که چرخ دوستان را ز هم انداخته بسیار جدا

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۱)

سعی کردم که شود یار ز اغیار جدا آن نشد عاقبت و من شدم از یار جدا

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۱)

"شعر در این دوره به شکوفایی دست نیافت و نثر این دوره، آغازی نوید بخش داشت و از تکلفات فنی و بدیعی به دور بود. سادگی، روانی و گشاده‌زبانی از ویژگیهای سبک آنان بود." (آزند، ۱۳۹۰: ۴۲۲-۴۱۵)

علت رواج شعر در این دوره را می‌توان: شعر دوستی امرا و شاهزادگان تیموری و تشویق ایشان از شعرا، وقوع حوادثی که خاطر ایرانیان را سخت آزرده ساخته و تعدد دربرهایی که طالب و خریدار آثار شعرا بودند؛ دانست.

علت هنرمندی و هنرپروری شاهزادگان و امرای تیموری را می‌توان: ثروت و غنائم فراوان تیمور در طول جنگهای متمادی و جمع شدن هنرمندان در سمرقند و استعداد اولاد تیمور در ادب و هنر، دانست. در این باره می‌توان، ادب و هنر دوستی وزیر، امیر علیشیر نوایی را بیان کرد:

"اول بار که هلالی به مجلس امیر علیشیر نوایی درآمد، چون به حسن صورت نیز در مقام کمال بود، امیر از او شعر خواست، هلالی گفت:

چنان از پا فکند امروزم آن رفتار و قامت هم که فردا برنخیزم بلکه فردای قیامت هم بر ایشان خواند، بسیار خوش آمد، پرسید تخلص تو چیست؟ گفتم هلالی. فرمود که: بدری! بدری! و مرا بر مطالعه تحریض نموده، به تحصیل اشتغال نمودم. "(هدایت، ۱۳۸۰ ج ۸: ۷۰۴۵ و ۷۰۴۶)

از شاهان و شاهزادگان و امرای تیموری که خوش طبع و شعر پسند بودند، می توان به تیمور، میرانشاه (فرزند سوم تیمور)، شاهرخ (کوچکترین پسر تیمور)، خلیل سلطان (فرزند میرانشاه)، الغ بیگ (فرزند بزرگ شاهرخ)، بایسنقر (پسر دیگر شاهرخ، که بزرگترین مربی هنرمندان این دوره محسوب می شود و خود نقاش، خطاط و شاعر بود) و ده ها نفر دیگر را نام برد.

ج- سبک عراقی

در قرن نهم غزل بسیار رواج داشت ولی شیوه شاعران مبتنی بر تقلید و تکرار بود و دو نوع تمایل وجود داشته ۱- تمایل به سبک قدما ۲- تمایل به سبک تازه ای که خود مقدمه سبک هندی است و نیمه دوم قرن نهم که غزل از لحاظ معنی و صورت به اوج خود می رسد و شاعرانی چون حافظ و مولوی غزل را به لحاظ فکری و زبانی به عالی ترین حد آن رساندند، شاعران دیگر برای سرودن غزل از این بزرگان تقلید کرده اند. هلالی یکی از شاعرانی است که در سروده هایش از شاعران بزرگی چون نظامی، سعدی، حافظ و امیر خسرو دهلوی تأثیر زیادی پذیرفته است.

"شاعران قرن دهم به سوی حقیقت گویی و دگرگونی سبک شعر برآمده و در غزل تغییراتی را ایجاد کردند. ۱- عاشق می تواند از معشوق اعراض کند ۲- رابطه های عاشق و معشوق باید جنبه واقعی بیابد ۳- به دلیل شرایط اجتماعی قرون وسطایی آن دوره، به سوی معشوق مرد رفتند." (شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۷۱)

شعر در سبک عراقی در اوج مفاهیم انتزاعی و اغراق های شاعرانه و صنایع بدیعی است. در واقع شاعران برای اینکه شعر از واقعیت خیلی فاصله گرفته و در انواع صنایع ادبی

غرق شده؛ برای نجات از این مطلب به شعری روی آوردند که با صراحت و با زبانی ساده و بدون ابهام بیان گردد که برای این منظور سبک وقوع ایجاد شد.

د- سبک (مکتب) وقوع

در قرن نهم، شاعران چون دیدند که شعر سبک عراقی از واقعیت بسیار دور شده و کاملاً جنبه ذهنی دارد به دنبال سبکی ساده برای بیان بودند تا سبک وقوع را ایجاد کردند و در این راه راه بدایعی نیز به وجود آوردند. مانند: روابط عاشق و معشوق. آنها به دنبال شعر جاذب بدون پیچیدگی بودند. این سبک در اشعار شاعرانی همچون لسانی شیرازی، شرف جهان قزوینی دیده می شود.

"ربع اول قرن دهم هجری مکتب تازه‌ای در شعر فارسی به وجود آمد که این دوره میان دوره تیموری و سبک معروف به هندی است و مکتب وقوع نام دارد و غرض از آن بیان کردن حالات عشق و عاشقی از روی حقیقت بود." (گلچین معانی، ۱۳۷۴: ۳).

سبک وقوع یا مکتب وقوع، پس از سبک عراقی در سده‌های نهم و دهم در شعر فارسی ظهور یافت. در سبک وقوع آنچه که هست به گونه‌ای صریح و بیان امور واقع با زبانی ساده و بدون ابهام بیان می شود. "اساس شعر این مکتب این است که وقایع عاشق و معشوق و حالات آنان مبتنی بر واقعیت باشد. مکتب وقوع زبان حسب حال و واقعیت است." (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

۱-۱- بیان مسئله

بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی، شاعر توانا و مشهور پایان عهد تیموری و یکی از بهترین غزلسرایان ایران و یکی از بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است و با بررسی اشعارش می توان به مطالب زیادی از شعر اواخر دوران تیموری و اوایل عهد صفوی، دست یافت؛ اما در همه مقاله‌ها و کتابهایی که در باره هلالی جغتایی نوشته شده است، فقط به ذکر نام آثار او اکتفا شده است و این مقاله بر آن است که آثار او را بیشتر بررسی نموده و دیدگاههای فکری هلالی را در آنها بیان کند.

اشعاری که از هلالی در این مقاله آورده شده به دلیل نداشتن شماره صفحه نسخه‌های خطی، از کتاب استاد سعید نفیسی شماره صفحه قید شده است ولی متن ابیات بر اساس

تصحیح انجام شده بر روی ابیات نسخه های خطی، آورده شده است و اشعاری که در نسخه نفیسی نیست، شماره نسخه خطی داده شده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در کتابها و مقاله های زیادی از زندگی هلالی جغتایی و آثارش فقط نام برده شده است. از جمله:

- هلالی جغتایی. (۱۳۳۷). دیوان. تصحیح استاد سعید نفیسی. انتشارات سنایی. مقدمه
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات در ایران. پنج جلد. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات فردوس. (جلد ۴ ص ۳۹۹)
- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم. دو جلد. تهران: انتشارات فروغی. (جلد اول ص ۴۰۹ و ۷)
- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. ۶ جلد. چاپ هفتم. تهران: امیر کبیر. (جلد ششم. اعلام)
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن. نشریه ادبیات و زبانها. دانشگاه خوارزمی. بهار و تابستان ۸۵. شماره ۵۳ و ۵۲. از ص ۶۷ تا ۱۱۰. (ص ۷۹)
- و...، علی رغم این تحقیقات، این مقاله بر آن است که برخی از ویژگی های آثار و دیدگاههای فکری هلالی را بیان کند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به جایگاه ادبی هلالی جغتایی، به نظر می رسد معرفی بیشتر آثار و زندگی و طرز فکر این شاعر بزرگ می تواند در شناساندن بیشتر او به عنوان بخشی از میراث فرهنگی مکتوب ایران، لازم و ضروری باشد.

۲- بحث

بدرالدین هلالی جغتایی در استرآباد گرگان متولد شد و پس از پرورش در آنجا، گویا در سن دوازده سالگی وارد هرات شد و کار درس خواندن را دنبال کرد و به دستگاه سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوایی راه یافت.

در پاورقی کتاب تذکره شمع انجمن چنین آمده است: بدرالدین هلالی استرآبادی جغتایی، شاعر مشهور و توانای عهد تیموری است. ولادت و نشو و نمایش در استرآباد بود. سام میرزا و امیر علیشیر نوایی را از نزدیک دیده و چون بیتی را برای علیشیر خوانده، او می پرسد که تخلص تو چیست؟ هلالی می گوید که "هلالی" امیر علیشیر می گوید: بدری! بدری! (بهادر، ۱۳۸۶: ۸۱۰)

هلالی اگر چه اصلش ترک است اما چون در استرآباد متولد گردیده و در آن آب و هوا، نشو و نما یافته همواره در ضمن آن دیار نوشته می شود. (رازی، بی تا: ۱۰۹) به گفته یان ریپکا خاورشناس غربی، گویا در سن ۱۲ سالگی وارد هرات شده است. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۵۱۸).

هلالی پس از زوال سلطنت بایقرا در اوایل عهد صفوی هنگام حمله عیدالله خان ازبک به جرم تشیع در چارسوی هرات به سال ۹۳۶ ه. ق کشته شد. آرامگاه هلالی در بالاحصار هرات بنا شده است.

"چون عیدالله خان بر خراسان استیلا یافت، هلالی را ملازم خود ساخت. ساعتی رسانیدند که او رافضی است و هجو خان نیز گفته، فرمان قتل او صادر شد. پس از آنکه بی جرمی مولانا هلالی و خونریزی ناحق بر عیدالله خان ثبوت یافت، سخت ندامت کشید و روزی به تصور همین مقدمه، دیوانش برگشاد، سر صفحه این بیت به نظر رسید:

ما را به جفا کشته پشیمان باشی خون دل ما ریخته حیران باشی "

(بهادر، ۱۳۸۶: ۸۱۱)

در همه متون نام او را بدرالدین آورده اند و در دو متن، هلالی را با اسم نورالدین قید کرده اند. ۱- کتاب تاریخ حبیب السیر است که چنین آمده است: مولانا نورالدین هلالی زبده شعراء زمان و عمده بلغاء دوران است و قصاید و غزلیات و مثنویاتش اکثر اوقات در کمال سلاست و بلاغت بر صفحه ظهور می آید. (خواند میر، ۱۳۳۳: ص ۳۶۲ و ۳۶۱) ۲- نورالدین استرآبادی (مقت ۹۳۶ ه ق - ۱۵۲۹ م) وی به سبب انتساب به ترکان جغتای به جغتایی مشهور شده... (معین، ۱۳۶۴: فرهنگ)

آثار هلالی عبارتند از دیوان اشعار که شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است. سه مثنوی با نامهای شاه و درویش، صفات العاشقین و لیلی و مجنون، که هر یک از این آثار برخی از دیدگاههای فکری هلالی را نیز آشکار می سازد.

غزلهای او غنایی عاشقانه و شورانگیز است. مثنوی شاه و درویش، عرفانی است. مثنوی صفات العاشقین او عرفانی و اخلاقی است و مثنوی لیلی و مجنونش عاشقانه است.

۲-۱- دیوان اشعار (غزلیات، قصاید، مقطعات، رباعیات)

بدرالدین هلالی جغتایی یکی از بهترین غزلسرایان ایران در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. هلالی یکی از سرآمدان مکتب وقوع است و ویژگیهای شعر وقوع و تیموری در غزلهایش به فراوانی دیده می شود مانند عاشق بدبخت، خوار و خفیف در حد سگ معشوق، دوستدار جفا دیدن از معشوق و لذت بردن از این امر و... او در غزلیاتش در عین حال که از حافظ شیرازی، امیر خسرو دهلوی و نظامی تأثیر پذیرفته است، همواره در پی این بوده که غزلهای روان و ساده، مناسب با فهم عموم بسراید.

هلالی شاعری شیعه، آزاد اندیش و غیر درباری و زبان شعری او مردمی است، غزلهای او ساده، مستقیم و تک معنایی است. اکثر غزلهای او هفت بیت دارد و تخلص در بیت آخر است. بیش از هشتاد درصد غزلهایش دارای ردیف فعلی است. در غزلهای خود از اوزانی استفاده کرده که نزدیک ترین وزنها به طبیعت کلام عادی و طبیعی است. او شاعری برون گراست و موضوع غزلهایش عشق، فراق و هجران است و همواره به وصال، امید دارد. غزلهای او غنایی عاشقانه و شورانگیز است و در ضمن دیدگاههای عرفانی، اخلاقی و مذهبی او در غزلهایش دیده می شود. معشوق در غزلهای او زمینی و مذکر است. -به عنوان مثال در یکی از غزلهای هلالی برای معشوق مذکر چنین آمده:

نی پیر فلک دیده و نی مادر ایام ای تازه جوان همچو تو زیبا پسری را

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۱)

صد بار ز هجران تو جانم به لب آمد یک بار ز وصل تو ندیدم سحری را

(نسخه خطی دیوان هلالی، مجلس شماره ۸۱۷۹)

در میان اشعار هلالی می توان به بیتهای زیادی اشاره کرد که ساده و شیوا سروده شده است. مانند :

گریه ای کردم و از گریه دلم تسکین یافت آه اگر گریه نمی بود چه می کردم آه
(نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۱۶۸)

دیوان اشعار هلالی شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است و بیش از ۳۰۰۰ بیت شعر دارد. دیوانش بیش از ده نسخه خطی نزدیک به زمان خود شاعر دارد و بیش از بیست نسخه خطی در قرنهای مختلف داشته و دو نسخه چاپی در کانپور هند دارد که نشان دهنده اهمیت شاعر در میان اهل ادب در ادوار مختلف است. دیوان غزلهای غنایی او که درونمایه بیشترین آنها عشق است در میان نوشتارهایش اهمیت بسزایی دارد. (ریپکا، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۶۳) او در غزلهایش علاوه بر مضمون های عشقی و بر خلاف سنت های معمول، از موضوع های انتقادی و انگیزه های زندگی شخصی خود نیز بهره برده است.

- هلالی در غزلیات خود از شاعران بزرگی همچون حافظ، امیر خسرو دهلوی و سعدی تأثیر پذیرفته است. به عنوان مثال :

هلالی: سعی کردم که شود یار ز اغیار جدا آن نشد عاقبت و من شدم از یار جدا
از من امروز جدا می شود آن عمر عزیز همچو جانی که شود از تن بیمار جدا

(نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۱)

امیر خسرو دهلوی: ابر می بارد و من می شوم از یار جدا چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا
ابر و باران و من و یارستاده به وداع من جدا گریه کنان ابر جدا یار جدا
(دهلوی، دیوان اشعار، غزلیات، شماره ۱، بیت ۲۱)

هلالی: در خرابات مغان هوش مجوید ز ما همه مستیم در این میکده هشیار کجاست
(نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۲۲)

حافظ: هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگوئید که هشیار کجاست
(حافظ، دیوان : ۱۰۶)

هلالی: گفتم چو بیایی غم خود با تو کنم شرح اما چه کنم قوت گفتار ندارم

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۱۰)

سعدی: گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
(دیوان اشعار. غزلیات)

- او در اشعارش می گوید که انسان باید همه تلاشش را برای رهایی از بدبختی و نابسامانی، به کار برد. سادگی بیان، ارزش هنری و موزونی شعرهایش باعث شده که غزلهای او پس از ۵۰۰ سال در یاد مردم زنده نگاه داشته شود.

- او در بخش مقطعات و رباعیاتش، پند و اندرز دارد و مخاطب را به ترک دنیای فانی تشویق و به عیش و طرب دعوت می کند:

جهان و هر چه در او هست پایدار نماند بیار باده که عالم به یک قرار نماند

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۵۸)

- هلالی جغتایی ۴۴۳ غزل دارد که تعداد ۳۹۷ غزل را در ۶ وزن سروده است و ۳۶ غزل را در ۶ وزن دیگر و ۱۰ غزل را در وزنهای دیگر سروده شده است.

۶ وزنی که ۳۹۷ غزل او را در برمی گیرد عبارتند از:

وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنی محذوف) ۱۱۶ غزل

وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (بحر رمل مثنی مخبون محذوف) ۸۷ غزل

وزن مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (بحر مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف) ۶۱ غزل

وزن مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فعلن (بحر مجتث مثنی مخبون محذوف) ۵۳ غزل

وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مثنی سالم) ۵۰ غزل

وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (بحر هزج مثنی اخرب مکفوف محذوف) ۳۰ غزل

در شش وزن دیگر فراوانی غزل بین ۱۱ تا ۳ غزل می باشد که ۳۶ غزل را در برمی گیرد.

وزن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (بحر مضارع مثنی اخرب) ۱۱ غزل

وزن مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن (بحر رجز مثنی مطوی مخبون) ۸ غزل

وزن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن (بحر مجتث مثنی مخبون) ۶ غزل

وزن مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن (بحر رجز مثنی سالم) ۵ غزل

وزن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (بحر خفیف مسدس مخبون محذوف) ۳ غزل

وزن مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف) ۳ غزل
 در دو وزن دارای هر یک، دو غزل می باشد و از بقیه اوزان، شش غزل، هر کدام یک غزل
 را شامل می شود که از ذکر آنها به دلیل طولانی شدن مطلب خودداری شده است . مثلاً در
 میان غزلهای او فقط یک غزل به وزن فعولن فعولن فعولن (بحر متقارب مثنی سالم)
 سروده شده است با این مطلع :

اگر چون تو سروی ز جایی برآید شود رستخیز و بلایی برآید

(نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۷۰)

- هلالی شیعه است و در اشعارش هر جا که مناسب بوده ابیاتی را در مدح پیامبر، امام
 حسن، امام حسین و ... آورده است . این قطعه از اوست : محمد عربی آبروی هردوسراست
 کس که خاک درش نیست خاک بر سر او

شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح بدین حدیث لب لعل روح پرور او
 که من مدینه علمم علی دراست مرا عجب خجسته حدیثی است من سگ در او
 (هدایت ، ۱۳۸۰، ج ۸ : ۷۰۴۶) و (نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۲۱۱)

نیز در قصیده ای به ستایش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پرداخته است :

گفت فلک نیست این بلکه در ایوان عرش چتر سعادت زدند بهر حسین و حسن
 مهر و مه از دست آن لعل و در بحر و کان سرو و گل از آب این جان و دل مرد و زن
 شیفته باغ آن غنچه خضرا لباس سوخته داغ این لاله خونین کفن
 کاش ز خاک هرات بر لب آب فرات بختی بخت افکند رخت من و بخت من
 ماه جمال حسن گفت و کمال حسین نظم هلالی گرفت حسن کلام حسن
 (باباصفری ، ۱۳۷۹ : ۲۰۷) و (نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۲۰۶ و ۲۰۷)

هلالی شاعری برون گراست و موضوع غزلهایش عشق ، فراق و هجران است و این سه
 واژه در غزلیات او از بسامد بالایی برخوردار است و غزلی با ردیف فراق دارد که مطلع آن
 چنین است :

وه که رفت آن ماه و بر ما کرد بیداد از فراق از فراق او به فریادیم فریاد از فراق

(نفیسی ، ۱۳۳۷ : ۹۹)

و یا در غزلی دیگر: دو روز شد که ز درد فراق بیمارم از این دو روز و حیاتی که هست بیزارم

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۰۹)

هجرا: خراب افتاده ام بر بستر مرگ از تب هجران اگر خواهی که برخیزم بیا بنشین به بالینم
(نسخه خطی دیوان هلالی. کاخ موزه گلستان. شماره ۴۳۷)
به دلیل حجم زیاد این اشعار، امکان آوردن همه ابیات نیست .

۲-۲- مثنوی شاه و درویش

مثنوی شاه و درویش (شاه و گدا) که بر وزن هفت پیکر نظامی (فاعلاتن مفاعلن فعلن) از متفرعات بحر خفیف در ۱۳۴۵ بیت در مورد عشق بی ریای درویشی به شاهزاده ای است و هلالی آن را به نظم درآورده است . این مثنوی سرشت عرفانی و گرایش تند آموزشی دارد و گویای این باور است که مرزهای نابرابری اجتماعی را می توان از میان برداشت .

این مثنوی شرح عشق غم انگیز درویش به فرمانروای اوست که نمادی از گرایش روح ساده آدمی به خداست . (ریپکا، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۶۳) و (صفا، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۳۵)
از نسخه های خطی این مثنوی می توان به نسخه شماره ۵۲۵/۲ کاخ موزه گلستان استناد کرد که اسم کتاب ، دیوان دوازده شاعر است که به خط نستعلیق به سال ۹۶۷ با کاغذ اصفهانی، متن و حاشیه نوشته مذهب مجدول کمند و سرلوح دار با جلد ساغری سیاه نوشته شده است. در این نسخه ابتدا اشعار اهلی شیرازی است و بعد دیوان هلالی شامل غزلیات ، رباعیات و مثنوی شاه و درویش ، از صفحه ۲۹۳ - ۱۹۲ مجموعه را دربرمی گیرد و در حاشیه دور تا دور دیوان آصفی آمده است. دیوان هلالی با این غزل شروع می شود:

ای نور خدا در نظر از روی تو مارا بگذار که در روی تو بینم خدا را
و از ص ۲۷۶ مجموعه مثنوی شاه و درویش هلالی با بیتهای زیر آغاز می شود:

ای وجود تو اصل هر موجود هستی و بوده ای و خواهی بود
صانع هر بلند و پست تویی همه هیچ اند هر چه هست تویی
نقش بند صحیفه ازی بوجود قدیم لم یزلی

و با این اشعار و متن به اتمام می رسد:

نظری جانب هلالی کن خاطرش را ز غیر خالی کن

....

حشر او با رسول کن یارب
این دعا را قبول کن یارب
والحمد لله رب العالمین - آمین

۲-۳- مثنوی صفات العاشقین

مثنوی صفات العاشقین که بر وزن خسرو و شیرین نظامی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مسدس) در ۱۲۳۷ بیت است که مثنوی است عرفانی و اخلاقی دارای بیست باب است که با تاثیر از مخزن الاسرار نظامی سروده شده است که هرباب آن یک ویژگی معین آدمی را بازمی گوید و اندیشه های چشمگیری را عرضه می دارد. به مثل شاعر می گوید که کافر خوب به از مسلمان بد است و بر ستمگران که بر تهیدستان ستم روا می دارند خرده می گیرد. (ریپکا، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۱۰)

در صفات العاشقین در نابینایی و پیر شدن زلیخا در فراق یوسف گوید:

غم پیری سمن بر سنبلش ریخت ز آسیب خزان برگ گلش ریخت

سیه بادام او از جور ایام شد از عین سفیدی مغز بادام (نقیسی، ۱۳۳۷، مقدمه ۶)

بابهای مثنوی صفات العاشقین عبارتند از: عشق، صدق، وفا، خلق خوش، سخاوت، شجاعت، همت، احسان، تواضع، ادب، اجتناب از نابایسته ها، صبر، شکر، توکل، قناعت، کم خواری، کم گویی، کم خوابی، عزلت، توحید. (صفا، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۳۵)

از نسخه های خطی این مثنوی به نسخه ای با شماره ۸۸۲- ف موجود در دانشگاه تهران می توان استناد کرد که در سال ۹۶۷ ق، در ۱۲۳ برگ، دوازده سطری نوشته شده است.

۲-۴- مثنوی لیلی و مجنون

لیلی و مجنون نظامی سرآغازی برای لیلی و مجنون های بیشماری بود که به تقلید از آن سروده شده است.

شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، خرجردی، میرزا محمد قاسم گنابادی و هلالی جغتایی لیلی و مجنون را بازآفرینی کردند. (اردانی، ۱۳۸۷: ۹۱ و ۹۲).

در لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی عشق زمینی است و مجنون و لیلی دست کم یک شب به مراد دل می رسند. در این روایت اشتیاق لیلی بیش از مجنون است. در روایت جامی، مجنون که جوانی عیاش است عاشق لیلی می شود ولی به کام نمی رسد و مجنون

پیش از لیلی می میرد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۴)

مثنوی لیلی و مجنون هلالی که بیش از سه هزار و پانصد بیت دارد. بر وزن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن است. در این مثنوی هلالی از درونمایه ای کهن برداشتی نو به دست می دهد. قهرمان اصلی او لیلی، بانویی با اراده و دلیر است که مردی را که به زور باید با او زناشویی کند؛ نمی پذیرد. (ریپکا، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۱۰) لیلی و مجنون او بر خلاف لیلی و مجنون نظامی با فرجامی خوش پایان می یابد. تاریخ سرودن منظومه لیلی و مجنون هلالی را از بیتی که در نعت پیامبر (ص) آورده می توان حدس زد:

رفتی و گذشت نهصد و بیست این هجر هزار ساله از چیست (پناهی، ۱۳۸۵: ۱۸)
دو بیت زیر در تعریف لیلی آمده:

پاکیزه تنی چو نقره خام نازک بدنی چو مغز بادام

چشمش زاغی نشسته در باغ ابروی سیاه او پر زاغ (نفیسی، ۱۳۳۷، مقدمه: ۵)
هلالی بر خلاف بیشترین سخنوران روزگار خود، ستایشگر دربار نبوده. او در پایان مثنوی لیلی و مجنون خود با روشنی هر چه بیشتر بیزاری خود را از شعر درباری نشان داده

مثنوی لیلی و مجنون هلالی به دلیل در دسترس نبودن نسخه، در خیلی از کتابها به صورت شک و تردید جزو آثار هلالی ذکر شده است. نسخه ای از این مثنوی ارزشمند در دسترس و در حال بررسی است که بزودی در مجموعه ای تحت عنوان مثنویهای هلالی به چاپ خواهد رسید.

لیلی و مجنون هلالی با ابیات زیر شروع می شود:

این نامه که خامه کرد بنیاد تویی قبول روزیش باد

طغراش به نام پادشاهی کوراست چو عرش بارگاهی

سلطان سریر ملک هستی بنیاد نهی بلند و پستی

در ادامه این مثنوی، بخشهای مناجات، نعت نبی علیه السلام، صفت معراج، نعت امیرالمومنین علی (ع)، سبب نظم کتاب و...

اشعاری آمده است و آغاز داستان لیلی و مجنون با اشعار زیر ادامه می یابد:

گوینده این کهن حکایت در قصه چنین کند روایت

کز ملک عرب خجسته نامی
 در دین خردوران تمامی
 دارنده هودج و عماری
 شایسته تخت و تاجداری
 مشهور قبایل عرب بود
 عالی نسب و قوی حسب بود
 هم صاحب جاه و هم خردمند
 بودش همه چیز غیر فرزند
 این مثنوی در ادامه دارای بخشهایی شامل : خبر یافتن مادر لیلی از عاشق شدن او ،
 آگاه شدن پدر مجنون از حال او ، نصیحت
 کردن پدر مجنون را ،، تعریف جاه و حشمت قبیله لیلی و رفتن ابن سلام به
 خواستگاری لیلی و... می باشد.
 تصویر صفحه اول این نسخه که در دست انجام است، بدین شرح است :



۳- نتیجه گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده در این نوشته، نتایج زیر حاصل می شود:

۳-۱- بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی یکی از سرآمدان مکتب وقوع است و ویژگیهای شعر وقوع و تیموری در غزلهایش به فراوانی دیده می شود مانند عاشق بدبخت، خوار و خفیف در حد سگ معشوق، دوستدار جفا دیدن از معشوق و لذت بردن از این امر و... .

۳-۲- او در غزلیاتش از شاعران بزرگی همچون: حافظ شیرازی، امیر خسرو دهلوی، نظامی و سعدی تأثیر پذیرفته است و این خود یکی از دلایل شهرت او و ماندگاری اشعارش در دل و خاطر مردم است.

۳-۳- هلالی شاعری شیعه، آزاد اندیش و غیر درباری و زبان شعری او مردمی است. دیوان اشعار او که خود شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است؛ غزلهای او ساده، مستقیم و تک معنایی است. اکثر غزلهای او هفت بیت دارد و تخلص در بیت آخر است. بیش از هشتاد درصد غزلهایش دارای ردیف فعلی است. در غزلهای خود از اوزانی استفاده کرده که نزدیک ترین وزنها به طبیعت کلام عادی و طبیعی است.

۳-۴- او شاعری برون گراست و موضوع غزلهایش عشق، فراق و هجران است و همواره به وصال، امید دارد. غزلهای او غنایی عاشقانه و شورانگیز است و در ضمن دیدگاههای عرفانی، اخلاقی و مذهبی او در غزلهایش دیده می شود. معشوق در غزلهای او زمینی و مذکر است.

۳-۵- دو مثنوی شاه و درویش و صفات العاشقین او عرفانی است. او در اشعارش همواره انسان را به تلاش برای رهایی از بدبختی و نابسامانی، ترک دنیا فانی و عیش و طرب (غنیمت شمردن فرصتها) تشویق می کند.

۳-۶- مثنوی صفات العاشقین او بر وزن خسرو شیرین نظامی در ۱۲۳۷ بیت است و دارای بیست باب است که با تاثیر از مخزن الاسرار نظامی سروده شده است که هر باب آن یک ویژگی معین آدمی را بازمی گوید و اندیشه های چشمگیری را عرضه می دارد.

۳-۷- مثنوی شاه و درویش (شاه و گدا) او بر وزن هفت پیکر نظامی در ۱۳۴۵ بیت در مورد عشق بی ریای درویشی به شاهزاده ای است. این مثنوی سرشت عرفانی و گرایش تند آموزشی دارد و گویای این باور است که مرزهای نابرابری اجتماعی را می توان از میان برداشت.

۳-۸- مثنوی لیلی و مجنون هلالی که بیش از سه هزار و پانصد بیت دارد. بر وزن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن است. در این مثنوی هلالی از درونمایه ای کهن برداشتی نو به دست می دهد. قهرمان اصلی او لیلی، بانویی با اراده و دلیر است که مردی را که به زور باید با او زناشویی کند؛ نمی پذیرد. لیلی و مجنون او بر خلاف لیلی و مجنون نظامی با فرجامی خوش پایان می یابد. نسخه ای ارزشمند از این مثنوی در دسترس و در حال بررسی است که بزودی در مجموعه ای تحت عنوان مثنویهای هلالی جغتایی به چاپ خواهد رسید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

کتابها

- ۱- آژند، یعقوب. (۱۳۹۰). **تاریخ ایران، دوره تیموریان. پژوهش از دانشگاه کمبریج**. چاپ چهارم. تهران: جامی.
- ۲- بهادر، سید محمد صدیق حسن خان. (۱۳۸۶). **تذکره شمع انجمن**. مقدمه، تصحیح و تعلیق: محمد کاظم کهدویی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ۳- خواند میر، میر غیاث الدین محمد. (۱۳۳۳ ش). **حبيب السیر**. جلد سوم و چهارم. تهران: بی جا.
- ۴- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). **لغت نامه دهخدا**. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- رازی، امین احمد. (بی تا). **هفت اقلیم**. با تصحیح و تعلیق جواد فاضل. ۳ جلد. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ۶- ریپکا، یان. (۱۳۷۰). **تاریخ ادبیات ایران**. (مولفان: یان ریپکا، اتاکار کلیما، ایرژی بچکا). ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: حیدری.
- ۷- ----- (۱۳۸۲). **تاریخ ادبیات ایران**. با همکاری اتاکار کلیما... و دیگران. ترجمه دکتر ابوالقاسم سری. دو جلد. تهران: سخن.
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). **سبک شناسی شعر**. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۹- ----- (۱۳۷۵). **آشنایی با عروض و قافیه**. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۹- ----- (۱۳۸۰). **سیر غزل در شعر فارسی**: از آغاز تا امروز. چاپ ششم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۰- ----- (۱۳۷۳). **کلیات سبک شناسی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات در ایران**. پنج جلد. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات فردوس.

- ۱۲- گلچین معانی . احمد . (۱۳۷۴). **مکتب وقوع در شعر فارسی** . مشهد : انتشارات دانشگاه فردوسی .
- ۱۳- معین ، محمد . (۱۳۶۴). **فرهنگ فارسی** . ۶ جلد . چاپ هفتم . تهران : موسسه انتشارات امیر کبیر .
- ۱۴- نفیسی ، سعید . (۱۳۶۳). **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری** . دو جلد . تهران : انتشارات فروغی .
- ۱۵- هدایت ، رضا قلی خان . (۱۳۸۰). **تاریخ روضه الصفای ناصری** . تصحیح و تحشیه : جمشید کیان فر . ده جلد . تهران : انتشارات اساطیر
- ۱۶- هلالی جغتایی ، بدرالدین . (۱۳۳۷) . **دیوان** . تصحیح و مقدمه : سعید نفیسی . تهران : انتشارات سنایی .
- ۱۷- ----- . (قرن ده) . **نسخه خطی دیوان** . آستان قدس رضوی . شماره ۵۷۵۸ .
- ۱۸- ----- . (قرن ۹ و ۱۰) . **نسخه خطی دیوان** . کتابخانه مجلس . شماره ۸۱۷۹ .
- ۱۹- ----- . (۹۷۹) . **نسخه خطی دیوان** . کتابخانه ملی . شماره ۲۹۰/۲ .
- ۲۰- ----- . (۱۰۶۴) . **نسخه خطی دیوان** . کتابخانه دانشگاه تهران . شماره ۱۱۳۲ ف .
- ۲۱- ----- (۱۱۱۲) . **نسخه خطی دیوان** . گلستان . شماره ۴۳۷ .
- ۲۱- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). **شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی** . تهران : انتشارات دانشگاه تهران .
- مقاله ها**
- ۱- بابا صفری ، علی اصغر . (۱۳۷۹). **اظهار اعتقاد به تشیع و دعوت بدان در مناقب علوی شاعران شیعی ، ... (از سده چهارم تا چهاردهم هجری)** . فرهنگ . بهار و زمستان . شماره ۳۳۳۶ . ص ۲۷۸-۲۵۹ .
- ۲- پناهی ، وجیهه . (۱۳۸۵). **زیستن تا ابد** . روزنامه ایران . شماره ۳۵۸۳ .

۳- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون نظامی

،امیر خسرو دهلوی، جامی و مکتبی. فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات

فارسی دانشگاه اصفهان. شماره ۱.

۴-رضایی اردانی، فضل الله. (۱۳۸۷). نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و

شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی.

پژوهشنامه ادب غنایی زاهدان. شماره ۱۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی